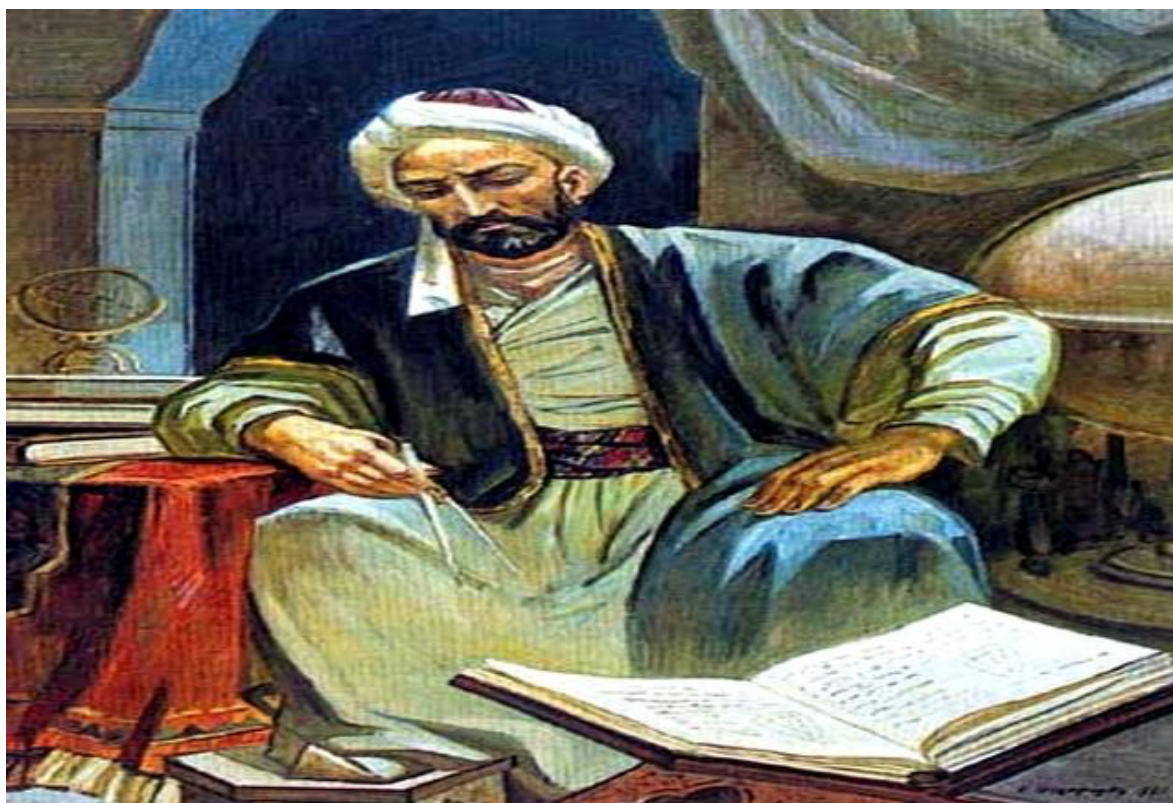


بزرگداشت خواجه نصیرالدین توسی



* در همه ی سالشمارهای کشور ورجاوندان ایران، روز پنجم اسفند ماه، از دانشمند بزرگ ایرانی، خواجه نصیرالدین توسی یاد شده و همچنین این روز را به نام روز مهندس نامیده اند.

- می دانیم که کشورهای جهان هر یک روزی را به نام روز مهندس برگزیده اند که تاریخ همه با هم یکی نیست. در ایران زیر چیرگی جمهوری اسلامی، روز پنجم اسفند را به نام **خواجه نصیرالدین توسی**، دانشمند بزرگ اسلام، روز مهندس نامیده اند.

- جمهوری اسلامی به همانگونه که از نامش برمی آید، سازگانی (یا رژیم) است بر پایه ی اندیشه های اسلامی. همگان بخوبی می دانیم که اسلام، گونه ای آرمانخواهی (یا ایدئولوژی) است و بس. آرمانخواهی ها یا دیدگاه ها گونه گون هستند. می توان، دیدگاه یا آرمانخواهی اسلامی، مسیحی، یهودی، کمونیست و یا سرمایه داری داشت. از اینرو یک دیدگاه نمی تواند دارای دانشمند، نویسنده، نوازنده، و ... باشد. این سرزمین ها و کشورها هستند که دانشمندی، یا نویسنده ای، یا هنرمندی را در دامان خود می پروراندند. این فرهنگ، پیشینه ی تاریخی و یادگارهایی از نیاکان آن مردم است که آبخور اندیشه های والای آنان می شوند. آنان پند و اندرزهای گذشتگان را با گوش جان می شنوند و روش و منش خویش را پیوسته بر بایسته های شایسته ی آن پند و اندرزها استوار می کنند و برای آیندگان سخنان و نوشته هایشان که مروریهای رخشان را می مانند، به جای می گذارند.

- اگر بپذیریم که دانشمند یا سراینده ی اسلامی داریم، پس می باید سراینده یا دانشمند مسیحی، کلیمی و یا ... هم داشته باشیم که چنین نیست! در جهان شناسه (یا هویت) هر دانشمند یا هر هنرمندی به سرزمینی بستگی دارد که از آنجا برخاسته است.

- شوربختانه پس از تازش تازیان به ایران، همه ی ایرانیان، با زور شمشیر، نه تنها از آموختن که از سخن گفتن، خواندن و نوشتن به زبان خودشان بازداشته شدند و زبان عربی به درازای سده ها سال، زبان کشوری، لشگری و آموزشی سرزمین ما شد. از اینرو دانشمندان ایرانی راهی و چاره ای نداشتند جز نوشتن به زبان عربی. و همین دست مایه ی مسلمانان شد که شناسه ی دانشمندان ایرانی را دزدیده و آنان را به نام دانشمندان مسلمان و چه بسا دانشمندان عرب جا بزنند؟

- در اینجا این پرسش پیش می آید که آیا اگر یک فرانسوی نوشته ای به زبان انگلیسی بنویسد او را می باید انگلیسی نامید یا همچنان فرانسوی خواهد ماند! ولی بدبختانه سخن خردمندان در گوش نابخردان فرو نمی رود که نمی رود!

- بگذریم که در این زمینه سخن های دردآور بسیار است و امروز می باید بیشتر از دانشمندان **خواجه ی توسی** یاد کنیم و بگوییم!

* **خواجه نصیرالدین توسی** که به **نصیرالدین - محقق توسی - استاد البشر و خواجه** نیز نامور است در سال ۵۷۹ قمری در شهر **توس** چشم به جهان گشود. او دانش های دینی و دانش های ساخته شدنی (عملی) را از پدر و منطق و حکمت را نزد دایی خود، **بابا افضل ایوبی کاشانی** آموخت. **نصیرالدین** آموزشهایش را در **نیشابور** به پایان رساند و در آنجا به نام دانشمندی برجسته پرآوازه شد.

* استاد سرشناس ما برای چندی در دستگاه **اسماعیلیه**، در دژ **الموت** بسر برد. او در این زمان نَسک های بسیاری نوشت. هنگامی که **هلاکوی مغول** به ایران تاخت و در اندیشه ی کشتار گروهی مردم بود، **نصیرالدین توسی** برای رهایی هم میهنانش و پیشگیری از کشتار ایرانیان، به نزد **هلاکو** رفته و آغاز به کار کردن با او را کرد. او با رایزنی و چاره جویی های خردمندانه ی خویش نگذاشت که مردم به دست **هلاکو** کشته شوند.



* در سال ۶۳۵ قَرافتی ماهی (هجری قمری) بود که **هلاکو**، فرمانروایی **اسماعیلیان** را برچید. در همان زمان از **خواجه نصیرالدین** خواست تا نپایشگاه (یا رصدخانه ی) بزرگی در شهر **مراغه** بسازد. **خواجه نصیرالدین** برای انجام اینکار، گروهی از اخترشناسان و دانشمندانی مانند **رکن الدین استرآبادی - محی الدین معزبی - قطب الدین شیرازی - شمس الدین شیروانی - کمال الدین ایجی - نجم الدین اسطرلابی** و چند تن دیگر را فراخواند تا با او در انجام اینکار همکاری کنند. ساختن این نپایشگاه در سال ۶۳۸ قَرافتی ماهی آغاز شد و در سال ۶۷۲ به پایان رسید.

- در همان سال ۶۷۲ بود که استاد بزرگوار جان، به جان آفرین واگذار.
- این ساختمان در سال ۱۳۶۴ در پهرست بازمانده های ملی ایران نگاشته شده است.
- **خواجه نصیرالدین توسی**، این دانشمند بزرگ ایرانی، **زیچ ایلخانی** را از روی نپاهش (رصد)های انجام نشده در نپایشگاه **مراغه** فراهم کرد. **زیچ ایلخانی** به درازای سدها سال، در سرزمین های آن زمان، از آن میان چین، از ارزش ویژه ای برخوردار بود. در سال ۱۳۵۶ ترسایبی (میلادی)، - ۳۰۰ سال پس از مرگ استاد **توسی** - **زیچ ایلخانی** برگردان و در اروپا پخش شده است.

- کهن ترین نمونه ی آن در نسکخانه ی (کتابخانه) ملی **پاریس** نگهداری می شود.
- شنیدنی است بدانیم که کاربردی نپایشگاه **مراغه** تنها جای نگاه کردن و بررسی ستارگان نبوده است.
- می توان گفت که آن نپایشگاه سازمانی بزرگ بود که بیشتر شاخه های دانش در آنجا آموزش داده می شد.
- این نپایشگاه بر روی تپه ای به بلندای ۱۱۰ متر ساخته شده است. جا گرفتن این نپایشگاه در چنین بلندی، پایه و مایه ی آن شده بود که هم از هر گوشه ی شهر می توانست آن را دید و هم چشم انداز بسیار زیبایی به دریاچه ی **ارومیه** پیدا کرده بود.
- ساختن ساختمان این نپایشگاه پیرامون ۱۳ سال به درازا کشید. در نزدیکی این نپایشگاه نَسک خانه (کتابخانه) بزرگی هم بوده که پیرامون ۴۰۰ هزار نَسک ارزنده در آن جای داشته که دانشمندان و پژوهشگران می توانستند از آنها سود ببرند.
- در کنار این نپایشگاه، سرایی شایسته برای **خواجه** و دیگر ستاره شناسان، همچنین آموزشگاهی برای دانشجویان دینی (طلاب) ساخته شده بود.

- در سال ۶۷۲ قَرافتی ماهی (هجری قمری) بود که **خواجه نصیرالدین توسی** برآن می شود به **بغداد** برود تا آنچه از نسک هایی که به تاراج رفته بودند را گردآوری کرده و به **مراغه** بازگرداند. در این رهسپاری گروهی از شاگردانش او را همراهی می کردند.

- شوربختانه استاد ارجمند ما نتوانست این خواست میهنی خویش را به انجام برساند. زیرا مرگ او را فراخواند و در تاریخ ۱۸ ذیحجه همان سال ۶۷۲ در **کازمین**، شهری نزدیک **بغداد**، جان به جان آفرین، واگذار.
- استاد **خواجه نصیرالدین توسی** یکی از سرشناس ترین چهره های دانشی تاریخ ایران است. اندیشه های او و کوشش های او در راه دانش انگارش (یا ریاضی) و ستاره شناسی از ارزش بالا و والایی برخوردار بوده که جهانی را به ستایش واداشته است.

* **استاد نصیرالدین توسی** ستاره ای بود که به هنگام تاخت و تاز **مغول** که تاریکی بر کشور ما سایه افکنده بود، درخشید.
- او به هر شهری که پا می نهاد، آنجا را با دانش و نیک اندیشی خویش روشنایی می بخشید.
- یکی از شاگردانش به نام **علامه حلی** می گوید: « **خواجه نصیرالدین توسی** شایسته ترین و برترین کسی بود که در زمان ما می زیست!»

گردآورنده : ژاله دفتریان
پاریس اسفند ۲۵۷۹ ایرانی
برابر با فوریه ۲۰۲۱ ترسایبی